

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

به اسم الله رحمان رحيم

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۱ اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ

نزول کتاب است از الله العزيز الحكيم * ما نازل کردیم برایت کتاب را

بِالْحَقِّ فَأَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۲ اَللَّهُ الدِّينِ الْخَالِصُ ۳

بحق پس عبادت کن الله را مخلصانه بدینش. * خبردار! برای الله است دین خالص.

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى

و آنانکه اتخاذ میکنند بجای او اولیائیء. "نمیکنیم عبادت آنها را الا که قریب کند مارا به

اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ

الله نزدیک. " یقیناً الله کند حکم بین آنها در آنچه هستند در آن بهم مخالف. یقیناً

اللَّهُ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ۗ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا

الله نکند هدایت آنکه هست کاذب کافر * اگر اراده میکرد الله که بگیرد فرزندی

لَا صُطْفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحٰنَهُ ۗ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٤﴾

بر میگزید از آنچه کرده خلق هر کرا میخواست، سبحان باو. اوست الله واحد قهار*

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ ۗ يَكُوْرُ اللَّيْلَ عَلٰی النَّهَارِ وَيَكُوْرُ

خلق کرده سماوات و زمین را بحق. میپچاند لیل را بر نهار و میپچاند

النَّهَارَ عَلٰی اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ لِّمَجْرٰی اِجَلٍ مُّسَمًّى ۗ

نهار را بر لیل و مسخر کرد شمس و قمر را. کُل دارد جریان بر اجل مسما.^۱

(۱) مسمی: بنامیکه یاد میشود، نام داده شده، معین شده. الله با گذاشتن نام وظیفه و اجل آن شیء را تعیین میکند.

الَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٥﴾ خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ

خبردار! اوست العزیزُ الغفارُ * خلق کرد شمارا از نفس واحد باز ساخت

مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقَكُمْ

از آن زوجش را و کردنازل برایشما از انعام هشت زوج. کندخلق شمارا

فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلَقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقِ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ط

در بطنهای مادران شما خلقی از بعد خلق در تاریکهای سه گانه. ۱

(۱) ظلمت ثلاث: از تاریکی عضوی، فکری و روحی انسان را بیرون کشیده حیات میدهد. والله اعلم.

ذِكْرُ اللَّهِ رَبِّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَاللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَىٰ تُصْرَفُونَ ﴿٦﴾ إِنَّ

اینست الله رب شما، از اوست پادشاهی. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. بکجا رو گردانید * اگر

تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِن

کافر شوید یقیناً الله است غنی از شما. و نیست راضی برای عبادش کفر را. واگر

تَشْكُرُوا يَرْضَاهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ

کنید شکر شود راضی از شما. و نبردard بردارنده بار دیگری. باز نزد رب شما

مَرْجِعَكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿۷﴾

مرجع شماست می‌دهد خبر شما آنچه شما می‌کردید. یقیناً اوست علیم بمحتوی سینه‌ها *

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً

و اگر مس^۱ کند به انسان ضرر دعا کند بربش، رجوع کنان باو، باز چون ارزانی کند او را نعمتی

مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ إِندَادًا لِيُضِلَّ

از خود، فراموش میکند آنچه دعا میکرد پیشش قبلاً و می‌سازد برای الله شریکانی تا کند گمراه

(۱) مس: تماس

عَنْ سَبِيلِهِ ط قُلْ تَمَتَّعْتُ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا ۗ إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ۝۸

از سبیل او. بگو تمتع کن بکفرت اندکی. توئی از اصحاب آتش*

أَمْ مَنْ هُوَ قَانِتٌ ۙ أَنْاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا

آیا آنکه هست قانت^۱ اثناء^۲ لیل بسجده و قیام، کند حذر^۳ از آخرت و کند تمنی^۴

رَحْمَةً رَبِّهِ ط قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ط

رحمت رب خود را؟ بگو آیا یکسان اند کسانی که دارند علم و کسانی که ندارند علم.

(۱) قانت: عابد، دعا کننده، نمازخوان. (۲) اثناء: هنگام، اثناء، وقت. (۳) حذر: ترس، اندیشه، احتیاط کردن

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ۙ قُلْ يُعْبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّ كَمَا

یقیناً میشوند متذکر صاحبان خرد * بگو یا عبادم که ایمان دارید تقوا کنید برب خود.

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۗ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا

بآنانکه احسان میکنند در این دنیا است حسنات. و زمین الله است وسیع. یقیناً

يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۗ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ

شود وفا بصابران اجر آنها بغير حساب * بگو من شدم امر که کنم عبادت

اللَّهُ مُخْلِصًا لِلدِّينِ وَأُمِرْتُ لِأَنُكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۱۲﴾ قُلْ

الله را مخلص باو در دین * و امر شدم آنکه باشم اول مسلمین * بگو

إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۳﴾ قُلْ اللَّهُ أَعْبُدُ

من دارم خوف، گر معصیت کنم بر بزم، عذاب یوم عظیم را * بگو به الله کنم عبادت

مُخْلِصًا لِدِينِي ﴿۱۴﴾ فَأَعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِّنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَيْرِينَ

مخلص بوی دینم را * پس کنید عبادت آنچه خواهید بجای او. بگو هستند خساره مندان

(۱) معصیت: نافرمانی

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ

کسانی که خساره کردند بنفسه‌های خود و اهل خود یوم قیامت. خبردار! اینست آن خساره

الْمُبِينُ ۱۵ لَهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِنِ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ۗ ذَٰلِكَ

مبین * برای آنها از فوق آنها چتری از آتش و از تحت آنها چتری. چنین

يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ ۗ يَعْبَادُ فَاتَّقُوا ۱۶ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ

بخوف آرد الله با آن عبادش را. یا عبادم بکنید تقوا * و آنانکه اجتناب میکنند از طاغوت

أَنْ يَّعْبُدُوهَا وَأَنَا بُورٍ إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ ۗ^{۱۷} الَّذِينَ

و عبادت او و رجوع میکنند به الله برای آنهاست بشارت. بده بشارت بعبادم* آنانکه

يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ

میشنوند سخن را و میکنند متابعت احسن آنرا. آنها اند که هدایت کرده آنها را الله

وَأُولَٰئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ ۗ^{۱۸} أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ ۗ^ط

و آنها هستند صاحبان خرد * آیا آنکه حق است علیه او کلمه عذاب؟^۱

(۱) آیا آنکه مستحق عذاب شده برابر است بآنکه مغفرت شده؟

أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ۗ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ

آیا توده‌ی نجات آنکه در آتش است * لکن آنانکه دارند تقوا بر ب خود بآنهاست غرفه‌ها بر

فَوْقَهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ

فوق آن غرفه‌ها بنا شده، میکند جریان از تحت آن انهار. وعده الله است. نکند خلاف

اللَّهُ الْمُبْعَادُ ۗ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي

الله بمبعاد * آیا نمی‌بینی که الله کند نازل از سماء آب، باز میراند آنرا به منابع آن در

الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهَيِّئُ فِتْرَةً مُّصْفَرًّا

زمین باز کند اخراج با آن زرع مختلف الوان را باز شود خشک و بینی آنرا زرد

ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا طِينًا فِي ذَلِكَ لَذِكْرِي لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۚ أَفَمَنْ

باز سازد آنرا خاشاک. یقیناً در اینست ذکری بصاحبان خرد * آیا آنکه

شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّنْ رَبِّهِ ۖ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ

فراخ کرد الله سینه او را به اسلام و اوست بر نوری از رب خود؟ * پس وای بر قسی

(۱) اولی الباب: کسانی که فهم ذکاوت و معلومات وسیع دارند. در هر باب میتوانند قضاوت پسندیده کنند.

قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ^(۲۲) اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ

القلوب از ذکر الله. آنها اند در گمراهی مبین * الله کرد نازل احسن

الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعْرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ

حدیث را، کتاب متشابهاً مثنائی،^۱ می ایستد مو از آن بجلدهای آنانکه

يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ

میترسند از رب خود. باز میشود لین ۲ جلدهایشان و قلبهایشان به ذکر الله.

(۱) کتاب متشابهاً مثنائی: آیاتیکه دونوع پیغام دارد مثل بشیر و نذیر، عذاب و مغفرت. (۲) لین: ملایم، نرم.

ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَالَهُ

اینست هدایت الله، کند هدایت با آن هر کرا خواهد. و هر کرا کند گمراه الله، نباشد برایش

مِنْ هَادٍ^{۳۳} أَفَمَنْ يَتَّبِعِيْ بِوَجْهِهِ سُوْءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ

کدام هادی * آیا آنکه سپر کند وجهه خود به بدترین عذاب یوم قیامت؟^۱ و گوید

لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ^{۳۴} كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

برای ظالمان ذائقه کنید آنچه کرده اید کسب * تکذیب کردند کسان از قبل اینها

(۱) وجهه آنکه با آتش مقابل است نیست یکسان به آنکه وجهه او مقابل میشود به نعمتها.

فَاتَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾ فَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ

پس آمد برایشان عذاب از حیث که نداشتند شعور * و ذائقه داد آنها را الله رسوائی

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

در حیات دنیا. و عذاب آخرت است اکبر. کاش میداشتند علم *

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ

والبته زدیم برای مردم در این قرآن از هر مثال تا که

يَتَذَكَّرُونَ ﴿٣٧﴾ قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرِ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٣٨﴾ ضَرْبٌ

شوند متذکر * قرآن عربی غیرداشتن عوج تا که شوند متقی * میزند

اللَّهُ مَثَلًا لِّرَجُلٍ أَفْرَأَ فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ ط

الله مثال مردیکه دراو شریک اند صاحبان متفرق و مردیکه سالماً از یک مرد است. ۱

هَلْ يَسْتَوِينَ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ ط بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّكَ مِثْتُ

آیا یکسان اند بمثال . الْحَمْدُ لِلَّهِ . بلکه اکثر آنها ندارند علم * یقیناً می مری

(۱) نیست یکسان منزلت مردیکه متردد است بین اطاعت خدا و بنده و آنکه تنها بحق تسلیم است.